

**سارا پور مختار**

قهرمان هاهمیشه‌متعلق بهداستان‌های تخیلی نیستندزیر آسمان شهری که در آن زندگی می‌کنیم هم پر است از زنان و مردانی که برای زنده ماندن و خوب زندگی کردن در نبرد هستندافرادیکه‌ناخواسته‌درگیر سرنوشتی شدند که چاره‌ای جز کنار آمدن با آن ندارند

**زهر نقش عقرب**

آستین لباسش را بالا می‌زند به نقش عقرب روی بازویش اشاره می‌کند و با حسرت می‌گوید: «همه فتنه‌ها زیر سر این است» و ادامه می‌دهد: سال ۷۹ بود که در رشته گیاه‌پزشکی دانشگاه سبزای قبول شدم. با خوشحالی و هزار آرزوهای شدم. تو اول را در خوابگاه ماندم و بعد از آن با ۲ نفر از دوستان و همکلاسی‌هایم تصمیم گرفتیم خانه اجاره کنیم. علی‌الاهل سمنان بود و احمد رضایر چند نفری از بچه‌های هم گروهی‌مان می‌خواستند خالکوبی کنند و بایک خالکوب‌ماهر قرار گذاشتند یک شب بیاید خانه ما.

آخر هفته‌همه بچه‌هاخانه ما جمع شدند.احمد رضایر فتنه بود دنبال خالکوب. ده‌های عقرب تقی خالکوب با دستش پر از نقش و نگار با همه دست داد. دستگاه و ظرف جوهر و سوزن‌ها را از کیف چرمی‌اش در آورد. هر کسی درباره نقشی که می‌خواست بدانند با تقی مشورت می‌کرد. تقی خالکوب با خود کار برای هر کس یک نقش انتخاب و خالکوبی را شروع کرد. من هم وسوسه شدم و خواستم طرح یک عقرب که نماد ماه آبان است را روی بازویم خالکوبی کند. نمی‌دانم سوزنش آلوده بود یا کسی از بچه‌هایم تا بود ولی همین شد عاملش.

حدود سه ماه گذشت بود که مریض شدم. تمام علائم شبیه سرماخوردگی بود ولی هر چه می‌گذشت خوب نمی‌شدم؛ مریض‌ام تا ۲ ماه طول کشید. بدنم قوی بود و قبلاً پیش نیامده بود که سرماخوردگی‌ام آنقدر طول بکشد. دکترها هم چیزی نمی‌دانستند. تب و لرزهایم باز هم تکرار شد. وقتی که برای تعطیلات آمده بودم، باز هم رفتم دکتر و این بار آزمایش دادم. در برگه نتیجه آزمایش جلوی HIV علامت مثبت خورده بود. نزدیک به ۱۰ بار در آزمایشگاه‌های مختلف آزمایش را تکرار کردم و در همه آنها جواب مثبت بود. تنها نشانی که داشتم خالکوب بود. که از من حمایت کردند و دنبال درمان و کمک بودند.

در تمام آستینش بالاوری صحبتش با نشان عقرب بود. آستینش را پایین آورد و مرا مخاطب قرار داد: «ها را ایدز نمی‌کنند. رفتارهای اطرافیان می‌کشد. بدترین برخورد را از یک پزشک دیدم. برای مشکل تنفسی پیش یک دکتر متخصص رفته بودم. داشت معاینه می‌کرد و با گوشی به صدای نفس کشیدنم گوش می‌داد. فکر کردم پزشک باید از وضعیت بیماریم اطلاع درستی داشته باشد. گفتم که ایدز دارم و وحشت کرد و داد زد. شماها برای چی دنبال درمان هستید؟ شما که جامعه را آلوده می‌کنید همان که به‌میرید بهتر است. از اتقش آلوده می‌شوید. با وجود دیدن این رفتارها باز هم بیماری خودم را اعلام می‌کنم. واکنش غلط مردم نباید مانع رفتار درست ما باشد.»

**گزارش پاسارگاد به بهانه روز جهانی ایدز**

**تماس جنسی**

**مهم‌ترین عامل انتقال ایدز**

**ایدز**

آستین لباسش را بالا می‌زند. به نقش عقرب روی بازویش اشاره می‌کند و با حسرت می‌گوید: «همه فتنه‌ها زیر سر این است»

**برچسب‌های دردناک**

زهر ایدز به سر قرار می‌رسد و می‌گوید: «چون فقط آخر هفته‌هایم تاوانم با پسر هم‌سنم متوجه ساعت و گذر زمان نشدم». نه چهره‌اش با زبان دیگری که در کوچه و خیابان می‌بینم فرق می‌کند و نوع نوا نوا لب‌ش پوشیدنش. نه زخمی به روی صورت دارد و نه کینه‌ای در دل. شاید اگر یک روز در تاکسی یا مکانی عمومی در کنار من نشست و لب از لب بر نمی‌داشت هیچ وقت متوجه بیماری‌اش نمی‌شدم. اما پای صحبت‌هایش که می‌نشستم از برچسب‌های دردناکی می‌گویی که به او زده شده است. خودش را زهر ایدز معرفی می‌کند اما صادقانه می‌گوید که نام اصلی‌اش نیست. «من نه اعتیاد داشتم و نه رابطه جنسی با افراد دیگر. من ویروس HIV را از راه تاتو تبرو گرفتم. از طریق یکی از دوستانم با خانمی که کلر تاتو تبرو انجام می‌داد آشنا شدم. ماهی یک بار از یزد می‌آمد و در خانه یکی از کسانی که قصد انجام تاتو داشتند مستقر می‌شد و همه کسانی که از قبل نوبت گرفته بودند به آنجا می‌رفتند و یکی بعد از دیگری تاتو انجام می‌دادند اما بعدا تب شدیدی کردم و بیهوش شدم. پس از مراجعه به بیمارستان و انجام آزمایشات دکتر گفت HIV مثبت هستم. آخرین باری که همسرم را دیدم همان شب بود که بالای تختم ایستاده بود. حرف‌های دکتر را که شنید بدون آنکه حتی یک کلام حرف بزنم و یادبرایم دلیلش ببرسد اتاق را ترک کرد. حتی برای طلاق هم و کیلش زنگ زد و من هم پذیرفتم. توافقی جدا شویم. پسری ۹ ساله به نام امیر حسین دارم که به خاطر مشکلات مالی دو سال است که با من زندگی نمی‌کند»

و پدریزش گش حضانت‌اش را پذیرفته و تحت نظر آنها به مدرسه می‌رود. فقط آخر هفته‌ها و روزهای تعطیل پیش هم هستیم». بیکاری اصلی‌ترین دلیل مشکلات مالی زهر است: «هر این مدت برای کار که به همه جاسم زد اما وقتی بیماری خود را اعلام می‌کردم به من کار نمی‌دادند. کار به جایی رسیده بود که جرات نمی‌کردم در برخی مراکز بیماری خود را بیان کنم. بعد از آنکه بیکاری‌ام فعال شد، در یک تولیدی پوشاک کار پیدا کردم اما متوجه بیماری من شد از کارگاه اخراجم کرد». زهر که دل پر دردی از برخورد برخی کلر پزشکی مراکز درمانی دارد ادامه می‌دهد: «وقتی در بیمارستان کرمان بستری بودم یکی از هم‌اتاقی‌هایم متوجه بیماری من شد و فریاد می‌زد که من را از آن اتاق خارج کنند». او می‌گوید که برخورد مشابهی نیز از دندانپزشکان دیده است و ادامه می‌دهد: «دندانپزشکان بیماران مبتلا به هپاتیت را می‌پذیرند اما از پذیرش مبتلایان به HIV سر باز می‌زنند به همین خاطر مجبوریم وقتی برای ویزیت به دندانپزشکی می‌رویم با بیماری خود را اعلام نکنیم و با بگویم هپاتیت داریم. هرگز فراموش نمی‌کنم روزی در مطب دندانپزشکی وقتی آرام به دندانپزشک گفتم که مبتلا به ایدز هستم چنان دلدو فریادی به راه انداخت و مرا از اتاقش بیرون کرد که همه بیماران در صف انتظار متوجه شدند بیماری من چیست و آنجا تبرو و حیثیت من به باد رفت چون همه مردم تصور می‌کنند که مبتلایان به HIV از راه‌های غیر اخلاقی به این بیماری دچار شده‌اند.»

نه تنها همسرش که خانواده‌اش هم به نوعی زهر را طرد کرده‌اند: «حتی خانواده‌ام از پذیرش من سر باز می‌زنند. یک بار که به خانه پدرم در روستا رفته بودم، برانرم به همراه همسر و فرزندانش نیز آنجا بودند، برانرم اجازه نداد که بچه‌هایش به من نزدیک شوند البته من توقعی جز این هم نداشتم. وقتی پزشکان ما را نمی‌پذیرند دیگر از خانواده خودم که سطح دانش و آگاهی پایینی از مسایل پزشکی دارند چه انتظاری می‌توانم داشته باشم؟ مهم این است که من امروز پذیرفته‌ام من یک ای‌وی مثبتم و باید با مشکلات این بیماری کنار بیایم.» زهر اقرار است از ازدواج مجددش سخن می‌گوید، نوری در چشمانش برق می‌زند: «باید بیماران آلوده به HIV را با بیماری‌شان قضاوت کنند چرا که آن‌ها هم خصوصیات مثبت و منفی و فراوانی دارند. قرار است با فردی که هم‌دردیم از دواج کنم. او شافل است و قول داده که فرزندم هم در کنار ما بزرگ شود خیلی خوشحالم که از دواج می‌کنم چون هم از تنهایی در می‌آیم و هم فرزندم را می‌توانم در کنار خودم نگهداری کنم.» موقع خداحافظی زهر با ابجدوری می‌گوید: «بعضی از درها

به گفته رییس مرکز بهداشت هر گونه کار پوستی و زیبایی، تزریقات، اعمال جراحی زیبایی و بزرگ‌اگر در شرایط استریزه انجام نشود خطر انتقال بیماری‌هایی همچون ایدز و هپاتیت وجود دارد که تاتو و خالکوبی هم شامل این موارد می‌شود. دکتر محمد موقری از انجام خدمات تاتو و خالکوبی در مکان‌های بدون مجوز ایزز نگرانی می‌کند: «از طرف مرکز بهداشت تمام آرایشگاه‌هایی را که تاتو و مجوز دارند، بازرسی می‌کنیم اما متأسفانه در خیلی از جاها کار تاتو به صورت غیرقانونی و بدون مجوز و در خانه‌ها انجام می‌شود و ما نمی‌توانیم نظارتی بر کارشان داشته باشیم. این خود مردم هستند که باید نظارت داشته باشند و مواظب باشند و به جاهای مجاز مراجعه کنند»

بر طبق آمار در سیرجان تعداد بیماران ایدزی که شناسایی شده‌اند و در مرکز بهداشت پرونده دارند و دارو می‌گیرند ۳۴ نفر هستند که بی‌شک آمار واقعی بیش از این‌هاست اگر تعداد افرادی را که از بیمارشان اطلاع ندارند و یا افرادی را که به مرکز بهداشت مراجعه نمی‌کنند را به این رقم اضافه کنیم.

**انجام تاتو در مراکز غیربهداشتی انتقال HIV را افزایش می‌دهد**

دکتر محمد ندیمی متخصص بیماری‌های عفونی و تبحار از بروز موح سوم HIV می‌گوید: «موج اول HIV در کشور ناشی از انتقال خون آلوده بود. موج دوم در معتادین تزریقی و زندانیان و موج سوم انتقال از طریق تماس جنسی پرخطر است که جامعه را به شدت تهدید می‌کند». وی در ادامه می‌افزاید: «هر کل جهان بیشترین شکل انتقال ایدز از طریق تماس جنسی محافظت نشده است و بعد از آن معتادان تزریقی. در سال‌های قبل الگوی اصلی انتقال ایدز در کشور ما اعتیاد تزریقی بود و بیشتر مبتلایان بر اثر استفاده از سرنگ مشترک به ایدز دچار می‌شدند و این اتفاق در زندان‌ها و محل تجمع افراد کراتن خواب بیشتر تکرار می‌شد اما در حال حاضر از طریق رفتارهای پرخطر جوانان منحنی انتقال از طریق تماس جنسی به شدت در حال افزایش است و به منحنی جهانی نزدیک می‌شود.»

دکتر ندیمی که معتقد است بیماری HIV بیماری‌ای نیست که به سراغ فرد بیاید بلکه انسان خود با رفتارهای پرخطر و محافظت نشده به سراغ این بیماری می‌رود. در خصوص دیگر راه‌های انتقال ویروس ایدز می‌گوید: «استفاده کردن از هرگونه وسیله آلوده که بتواند به سیستم مخاطی پوست یا مخاطی هر جای بدن آسیمی وارد کند مثل سرنگ آلوده، تاتو کردن، تیغ‌های صورت تراش آلوده، می‌تواند باعث انتقال ویروس شود.»

این دکتر متخصص بیماری‌های عفونی و تبحار ضمن هشدار به خانواده‌ها توصیه می‌کند: «خبر استفاده از مواد توهم‌زا در مهمانی‌ها مد شده است که فرد را از خودش بیخود می‌کند و ممکن است رفتارهایی نشان دهد که نهایتاً منجر به بیماری شود یا اینکه تمایل و انجام می‌رود تاتو که در بسیاری از موارد در مراکز غیربهداشتی صورت می‌گیرد. انتقال هپاتیت و HIV را افزایش می‌دهد.»



نه تنها همسرش که خانواده‌اش هم به نوعی زهر را طرد کرده‌اند: «حتی خانواده‌ام از پذیرش من سر باز می‌زنند. یک بار که به خانه پدرم در روستا رفته بودم، برانرم به همراه همسر و فرزندانش نیز آنجا بودند، برانرم اجازه نداد که بچه‌هایش به من نزدیک شوند البته من توقعی جز این هم نداشتم. وقتی پزشکان ما را نمی‌پذیرند دیگر از خانواده خودم که سطح دانش و آگاهی پایینی از مسایل پزشکی دارند چه انتظاری می‌توانم داشته باشم؟ مهم این است که من امروز پذیرفته‌ام من یک ای‌وی مثبتم و باید با مشکلات این بیماری کنار بیایم.» زهر اقرار است از ازدواج مجددش سخن می‌گوید، نوری در چشمانش برق می‌زند: «باید بیماران آلوده به HIV را با بیماری‌شان قضاوت کنند چرا که آن‌ها هم خصوصیات مثبت و منفی و فراوانی دارند. قرار است با فردی که هم‌دردیم از دواج کنم. او شافل است و قول داده که فرزندم هم در کنار ما بزرگ شود خیلی خوشحالم که از دواج می‌کنم چون هم از تنهایی در می‌آیم و هم فرزندم را می‌توانم در کنار خودم نگهداری کنم.» موقع خداحافظی زهر با ابجدوری می‌گوید: «بعضی از درها

**جناب آقای مهندس جواد متین**  
درگذشت پدر عزیز و بزرگوارتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنم. روحش شاد و یادش گرامی.  
**ایران نژاد، مدیرعامل شرکت نورباران نظیف**

**جناب آقای مهندس جواد متین**  
درگذشت پدر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنم. خداوند روح آن مرحوم را قرین رحمت فرماید.  
**ایران نژاد، مدیرعامل شرکت آیین ابتکار**

**خانواده محترم گلبلز خانی**  
درگذشت مرحوم حاج محمود گلبلز خانی متولی موفق و بی‌بی‌گوسر تاج را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم. برای شما صبر و برای آن مرحوم غفران و رحمت و واسعه الهی را خواستاریم.  
**اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان سیرجان**

**خانواده محترم بحرانی**  
درگذشت مرحوم اصغر بحرانی از واقفین شهرستان سیرجان را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنیم. رحمت و مغفرت الهی برای آن مرحوم از پروردگار متعال خواهیم. **اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان سیرجان**

**جناب آقای رسول بلوردی**  
بدین وسیله از جنابعالی که در غم از دست دادن مرحوم حاج اصغر بحرانی همراه و همدل ما بودید، و در مراسم تشییع، تدفین و ترحیم شرکت نموده‌اید کمال تشکر و قدردانی را داریم. امید است در شادی‌هایتان جبران کنیم.  
**خانواده بحرانی**

**جناب آقای عبدالرضا محمود آبادی و سرکار خانم نجمه محمود آبادی**  
مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. خداوند روح آن عزیز از دست رفته را قرین رحمت فرماید. ما را در غم خود شریک بدانید.  
**همکاران شما در نشریه پاسارگاد**

**السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین**  
ای سپیدار بلند و پایدار میبریم نام تو را با افتخار پدر جان به یادت هستیم ضمن تقدیر و تشکر از کلیه سروران و عزیزانی که ما را در مراسم تشییع، تدفین و ترحیم بزرگ خاندان مرحوم **حاج علی‌رضا آذریپوند** همراهی کرده‌اند به اطلاع می‌رساند مراسم خاکبندان آن مرحوم روز پنج‌شنبه ۱۶/۰۹/۹۶ از ساعت ۲ الی ۴ بعدازظهر برگزار می‌گردد. مکان: خیابان مقداد- منزل آن مرحوم **ساعت حرکت ۳ بعدازظهر**

**اوست پایدار**  
حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم چنین قفسی نه سزای چو من خوش‌الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم با نهایت تاسف و تالم و با قلبی آکنده از اندوه و تسلیم در برابر مشیت ذات اقدس احدیت و با تشکر از کلیه سرورانی که ما را در مراسم تشییع، تدفین و ترحیم مرحوم **حاج نعمت‌الله متین** همراهی و ابراز محبت نموده‌اند، به اطلاع می‌رساند مراسم خاکبندان آن مرحوم روز پنج‌شنبه ۱۶/۰۹/۹۶ از ساعت ۲ الی ۴ بعدازظهر برگزار می‌گردد. آدرس: بلوار دکتر صادقی- پایین‌تر از چهارراه تختی- منزل آن مرحوم **ساعت حرکت ۳ بعدازظهر**

**نمایشگاه بانوی مهر**  
نمایش آثار صنایع دستی بانوان هنرمند سیرجان  
زمان: یکشنبه ۱۳/۰۹/۹۶ به مدت یک هفته  
مکان: فرهنگسرای شورای اسلامی شهر، نگارخانه راز  
**روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر سیرجان**  
**روابط عمومی فرهنگسرای سیرجان**

**به اطلاع شهروندان محترم و فهیم سیرجان می‌رساند، در راستای رسیدگی و رفع مشکلات مردم، ملاقات عمومی شهردار سیرجان** دوشنبه هر هفته از ساعت ۹ تا ۱۲ در دفتر وی واقع در شهرداری مرکزی سیرجان برگزار می‌گردد.  
**روابط عمومی شهرداری و شورای اسلامی شهر سیرجان**